

گفت‌وگو با بازیگر «بتمن علیه سوپرمن: طلوع عدالت» و «آسمان خراش»

جرمی آیرونز، دیکتاتور خوش خیم

کاترین شورد . ترجمه: ساسان کلفر



عکس: Daily Mail

انرژی شراست و تجربه‌ای ترسان با یک ماسک آفریقایی را به یاد می‌آورد. اما معمولاً این‌طور نیست: مجسمه‌ای از چاد نیروی مثبت واقعی دارد و «مانند نوعی چسب رابطه» عمل می‌کند و یک مجسمه از برسه که پای پله‌هاست، ارتعاش‌های خوبی دارد.

«من اغلب می‌نشینم کنارشان، انگار با من حرف می‌زنند؛ آنها بخشی از یک فرهنگ بوده‌اند. اگر آنها را

نادیده بگیریم، می‌میرند» می‌گوید موقع تمرین روی فیلم‌نامه بی نمایش‌نامه، موقعی که فکر می‌کند انگار «این دنیاى لعنتی به آخر رسیده» از آنها استفاده می‌کند و نیرو می‌گیرد. معلوم است که این آثار فرهنگی این روزها خیلی مشغول بوده‌اند: چون آیرونز ۶۷ ساله این روزها به قول خودش مثل یابو کار کرده است. اوایل این هفته

افتتاحیه نمایش درام یوجین اونیل «سفر طولانی روز به درون شب» با بازی او در نقش یک بازیگر با همسر معتاد به مورفین بود و هفته گذشته در فیلم «آسمان‌خراش» جی‌جی‌بالارد همراه با بن وبتلی روی برده رفت. فیلم زندگی‌نامه‌ای «مردی که بی‌نیاهت را می‌شناخت» درباره یک ریاضی‌دان با بازی آیرونز دو هفته دیگر اکران خواهد گرفت و جمعه این هفته هم اولین فیلم «لایک‌باستر» با بازی او پس از ۲۰

سال به اکران خواهد رسید: «بتمن علیه سوپرمن: طلوع عدالت». جرمی آیرونز در این فیلم نقش اَلُفرد، پیشخدمت بن افلک، مرد خفاشی، را برعهده دارد که در فیلم‌های قبلی بتمن، مایکل لینا ایفا کرده بود.

او در هر چهار فیلم، واریاسیون‌هایی روی یک تم مشابه را ارائه می‌دهد: یک مرد آقاقتش برجسته با نقصی درونی و ظاهراً بی‌عیب‌ونقص و درواقع از درون خرد شده. مردانی که گاه‌وبی‌گاه عباراتی فصیح بر زبان می‌آورند و موقعی که نشانه‌های دردسر بروز می‌کند، دست‌و‌تاری می‌دهند و ما هم اطاعت می‌کنیم. شاید آنتونی رویال فیلم «آسمان‌خراش»، آرشیتکتی که رفتار مبادی‌آداب او نشانی از فساد دارد، قابل تشخیص‌ترین نقش او دراین‌میان برای طرفداران فیلم‌هایی مانند Dead Ringers، «بخت‌برگشته» و «جان‌سخت ۳» باشد. رویال در رأس برج آب‌رتمانی زندگی می‌کند که رفتارهایی



میراث سریال، برای تماشاگران، این بود که برای همیشه این بازیگر را با تحصیلات دانشگاهی مرتبط دانستند. برای آیرونز هم چنین میراثی برجای ماند. بااین‌حال، او تصویر پسرکی متظاهر را حفظ کرد که شیفتگی به مؤسسات آموزش عالی و تحقیر آنها را هم‌زمان در دل دارد. او دوست دارد که همیشه میهمان بالای میز باشد، در کنار «آدم‌های فوق‌العاده‌ای که اجازه یافته‌اند غیرعادی باشند، نه آنهایی که جامعه صاف و صیقلی‌شان کرده است».

دوسوم زمان مصاحبه را صرف سیاست روز می‌کند. مسائل اقتصادی و صادرات محصولات از این لحاظ در جایگاه دوم یا شاید سوم یا چهارم قرار می‌گیرد اگر زمانی را که درباره صندلی و گناه بحث کردیم را نیز به حساب بیاورید. ایده‌هایی نیز در مورد بحران پناه‌جویان در میان می‌گذارد (اعطای عضویت در اتحادیه اروپا به ترکیه در ازای ساختن یک شهرستان مناسب برای پناه‌جویان با سفارتخانه‌های موقت)، در مورد آفریقا، صدام، آل‌وگدی، بازیافت، کشاورزی صنعتی و اعتیاد به ارتکاب جرم. وقتی آیرونز از موضوع رد نمان‌های افتخار می‌گوید، یک پرسن چارلر البته اندیشمندتر در ذهنتان تداعی می‌شود. شاید در او عناصری وجود داشته است که احتمال تبدیل‌شدن او به یک بازی را می‌داد. می‌گوید پدرش، که یک حسابدار بود، به او توصیه می‌کرد که از درگیرشدن در چنین مسائلی پرهیز کند.

او عقیده‌ای دارد که وجود آن در برخی از همتایانش نیز اغلب مردم را آزار می‌دهد؛ اینکه اگر تریونوی برای صحبت‌کردن داشته باشید، حتماً باید از آن استفاده کنید. می‌گوید: «اگر شما یک سیاستمدار باشید، نمی‌توانید صحبت کنید، چون ممکن است کارتان تحت‌تأثیر حرفتان قرار بگیرد. مردم صحبت‌های بازیگران را چندان جدی نمی‌گیرند، چون می‌دانند هیچ چیز برای بردن یا باختن ندارند و اگر آنها آزادانه صحبت نکنند، به‌نظرم خودشان را هدر داده‌اند».

می‌گوید این حرفه بینشی در اختیار شخصی قرار می‌دهد، چون لازم‌ه‌اش سفرکردن است و فرورفتن در ذهنیت دیگران. به یاد می‌آورد که از شهردار جاکارتا پرسیده بود چرا به مردم سطل نمی‌دهند تا زباله‌هایشان را در رودخانه نریزند. «او گفت: «چون مردم می‌روند توی آنها زندگی می‌کنند» و من هم گفتم: «آه، حالا متوجه شدم چه مشکلی دارید»».

به همین علت است که آیرونز با آنکه از کمپته تشکیل‌دادن متفرغ است و از اجبار به متقاعدکردن مردم بیزار است، درعین‌حال به مداخله‌گری هم «الزی» دارد. می‌گوید: «مثل مهندسی ژنتیک است. همه چیز با کمک نیروهای گوناگون داخلی در تعادل نگه داشته می‌شود، چه خوب باشد و چه نباشد. در سوریه داعش وجود دارد و شما نمی‌توانید ماهیت بی‌رحم آن فانتیک‌ها را در این مرحله از تکامل تمدنشان از بین ببرید. اما همه – مخصوصاً آمریکایی‌ها – ظاهراً فکر می‌کنند تنها راه زندگی، همان شیوه زندگی آنهاست. دموکراسی؟ این دیگر چه مزخرفی است؟ آزادی؟ واقعاً یعنی چه؟»

هرچه آیرونز عمیق‌تر می‌شود، تلخ‌اندیش‌تر نیز می‌شود. نگرانی واقعی را روی پيشانی او می‌توان دید. «انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نشانه‌هایی دارد که شاید پایان دموکراسی باشد. اگر دموکراسی به یک بازی نمایشی تبدیل شده است که در آن به کسی رای می‌دهید که بیشتر سبب خنده شما می‌شود، پس اصلاً لایق رای‌دادن نیستید».

فرانسه‌دوم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نیز از نظر آیرونز وضع بهتری ندارد و او معتقد است که مردم در این مورد فریب خورده‌اند، چون کاینجه جواب مثبت و منفی آن را درست به مردم نشان نداده است. «آنها موضوع را از یک دیدگاه اشرافی می‌بینند و به صراحت نمی‌گویند که ما انسان‌های موجودی پُرسشگر است و سوپرمن، «هوایم‌ای بدون‌سر‌نشین آمریکایی».

می‌گوید احتمالاً علت آنکه ما عاشق ابرقهرمانان می‌شویم، احساسی است که نسبت به افراد ناتوان داریم. درواقع و به‌طورکلی هنر از نظر او، چه بتمن باشد، چه کورولیاوس یا نشستن در سالن موسیقی، مثل به تماشا نشستن موجودی پُرسشگر و دوست‌داشتنی است. برای دقیقه‌ای او به شما تعلق دارد و شما را از زندگی حقیق و رقت‌آور خودتان بیرون می‌برد.

می‌گوید: «واقعاً درک نمی‌کنم که مردم چطور واله و شیدای چیزی روی صفحه نمایش می‌شوند». خودش هرگز چنین شیفته نشده است. آیا عجیب نیست کسی در این مدت طولانی در سینما کار کرده است، چنین احساسی داشته باشد؟ شاید نه. آیرونز نیازی به زندگی نیابتی ندارد. او به مدت ۴۰ سال ستاره بوده است. زندگی روزمره او نیز همیشه بیرزق‌وبرق بوده و خودش همیشه در این مورد احساس غرور داشته است.

می‌گوید: «راز پیری این است که علاقه‌مند باقی بمانی و به پشت‌سر نگاه نکنی. می‌دانم که بعضی چیزها می‌توانست بهتر باشد، اما در آن زمان بهترین کاری را که از من ساخته بود، انجام دادم» و بعد چیزی شگفت‌انگیزتر می‌گوید: «من هرگز از هیچ چیز در زندگی‌ام پشیمان نشده‌ام». ظاهراً اگر به اینکه داری با در عرصه دِردسر می‌گذاری، اهمیتی ندهی، آن‌قدرها هم وحشتناک به‌نظر نمی‌رسد.

منبع: گاردین

سینمای جهان

روزنه

«بتمن علیه سوپرمن» منتقدان علیه رسانه‌ها

برنت لنگ؛ شاید منتقدان «بتمن علیه سوپرمن: طلوع عدالت» را تکه و پاره کرده باشند، اما طرفداران فیلم در رسانه‌های اجتماعی از رویارویی «شوالیه تاریکی» و «مردی از فولاد» استقبال بهتری به عمل آورده‌اند. طبق آمار سرویس ردیابی رسانه اجتماعی Fizzology ۵۷ درصد از تبادلات توییتری در مورد فیلم پس از افتتاحیه اکران آن مثبت بوده است. کمتر از ۱۰ درصد از توییت‌ها در مورد این فیلم منفی بوده و بقیه را می‌توان خنثی نامید. به‌ه ادعای Fizzology واکنش‌ها نسبت به این فیلم در ردیف استقبالی بوده که از فیلم‌های پر فروش می‌مانند «خشمگین ۷» و «انتقام‌جویان: عصر اولترون» به عمل آمده است.

این استقبال کاملاً متفاوت با برخورد بسیاری از منتقدان نشریات معتبر با فیلم بود. ای.ا. اسکا، منتقد نیویورک تایمز عنوان یادداشت خود را «بتمن علیه سوپرمن علیه سرگرمی» گذاشت، دیوید ادلستین از نیویورک مگزین برچسب «نگگ داستان‌سرایی» بر آن زد و تیم گریسون از نیو ریپابلیک به فیلم عنوان «تقلای بی‌شاط» داد. متوسط امتیاز منتقدان به فیلم در سایت اینترنتی روتن تومیتز ۲۹ درصد بود. بن کارلسن، بنیان‌گذار Fizzology می‌گوید: «تا به‌حال چنین قطع ارتباطی میان واکنش منتقدان و واکنش مردم ندیده بودم. بیشتر مکالمات مردم در رسانه‌های اجتماعی در مورد این بود که منتقد‌ها چقدر اشتباه می‌کنند».

استقبال مثبت در توییتر هم چندان شاخص مناسبی برای ارزیابی نبود، چون «بتمن علیه سوپرمن» در سایت CinemaScore امتیاز متوسطی گرفت و درجه B دریافت کرد. این سرویس ردیابی شاخصی برای سنجش احساسات مخاطبان است و در این مورد نشان داد که طرفداران فیلم به مراتب کمتر از دیگر فیلم‌های بتمن و سوپرمن مانند «مردی از فولاد» و «شوالیه تاریکی» از فیلم لذت برده‌اند. نتایج CinemaScore نشان داد که مخاطبان زیر ۱۸ سال به فیلم نمره A- و زیر ۲۵ سال به آن نمره B+ داده‌اند، یعنی جمعیت جوان که بیشتر با رسانه‌های دیجیتال سروکار دارند. اقبال بیشتری به فیلم داشته‌اند. «بتمن علیه سوپرمن» با وجود نقدهای بد، در گیشه موفق بود. فیلم در هفته اول اکران در آمریکا ۲۰۹میلیون دلار درآمد داشت. فعالیت شدیدی در رسانه‌های اجتماعی در مورد فیلم به‌ جریان افتاد که خط‌نشان‌کشیدن‌های منتقدان را بی‌اثر کرد. طبق آمار سرویس ردیابی رسانه‌های اجتماعی ListenFirst در طول یک سال پیش از افتتاحیه اکران «بتمن علیه سوپرمن» بیش از ۱۸۰میلیون بار این فیلم در فیس‌بوک، توییتر، اینستاگرام، تمبرلر، گوگل پلاس و ویکی‌پدیا مطرح شد. در میان فیلم‌های اکران ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ فقط «انتقام‌جویان: عصر اولترون» با ۲۲۲میلیون و «جنگ ستارگان: نیرو بیدار می‌شود» با ۲۷۳میلیون مورد از این فیلم پیشی گرفته‌اند.

مادامالاشیکه اجتماعی از اولین پنجشنبه‌اکران تا دوشنبه که مخاطبان عملاً توانستند فیلم را ببینند، شدت یافت. حجم مکالمات پیرامون «بتمن علیه سوپرمن» ۱۰۴میلیون رسید و از این لحاظ فیلم Deadpool با رقم یک‌میلیون، «انتقام‌جویان: عصر اولترون» و «خشمگین ۷» و «دنای ژوراسیک» را که کمتر از این تعداد داشتند، پشت‌سر گذاشت.

به گفته کارلسن از شرکت Fizzology عناصر خاصی در فیلم وجود دارد که به‌نظر می‌رسد طرفداران فیلم از آن استقبال کرده‌اند، مخصوصاً معرفی واندِر وومِن (زن شگفت‌انگیز) و بازی بن‌افلک در نقش بتمن. وی می‌گوید: «از همان اولین تیزر فیلم که منتشر شد، معلوم بود که مردم تشنه صحبت در مورد آن می‌شوند. جالب است این علاقه‌مندی، مدام ساخته شد و ساخته شد و ساخته شد، بدون آنکه اغلب کسی متوجه آن باشد».

منبع: ورایتی

این هفته روی پرده

دشواری ارتباط

احساس فقدان، سوگ و نداشتن ارتباط، عناصر مشترک اغلب فیلم‌هایی هستند که از روز جمعه هشتم آوریل (۲۰ فروردین) روی پرده می‌روند. علاوه بر فیلم‌های معرفی‌شده، «دعوت»، «یک‌بار دیگر»، «آقای درست»، «۱۱ دقیقه» و «حادثه فونیکس» نیز در همین روز اکران می‌گیرند.

رئیس TheBoss



در این کمدی به کارگردانی بن فالکون، یکی از غول‌های صنعت به علت کارهای خلاف قانون تجارت به زندان فرستاده می‌شود و پس از آزادی از زندان، خود را ورشکسته و مطرود می‌یابد و تصمیم می‌گیرد در صنعت مُد، کاری برای خود دست‌وپا کند. درهمین‌حال سروکله دشمنان قدیمی او نیز پیدا می‌شود و زمان انتقام فرا می‌رسد. ملیسا مک‌کارتی، کریستن بل، کتی بیتس و پیتِر دینکلِیج از بازیگران این فیلم ۹۹ دقیقه‌ای هستند که یونیورسیتال پیکچرز پخش آن را برعهده دارد.

ویرانگری Demolition



دیویس (جیک جیلنهال)، یک بانکدار موفق است که همسر خود را در تصادف اتومبیل از دست می‌دهد. با آنکه پدرزنش (کریس کوپر) می‌خواهد او را وادار کند که به روال زندگی سابق خود بازگردد، دیویس نمی‌تواند این را بپذیرد و دراین‌میان دست سرنوشت او را با شخصیت‌هایی آشنا می‌کند که معنای تازه‌ای به زندگی او می‌بخشند. ژان مارک والی، کارگردان «باشگاه مشتریان دالاس»، این کمدی/ درام را کارگردانی کرده است. زمان نمایش فیلم «ویرانگری» ۱۰۰ دقیقه است. نیومی واتس و هیدر لئند از دیگر بازیگران این فیلم هستند.

هنری سرسخت HardcoreHenry



اکشن علمی-تخیلی پرماجرای «هنری سرسخت» به کارگردانی ایلیا نایشولر و به تهیه‌کنندگی تیمور بکماتیف، سازنده «تحت‌تعقیب»، داستان را کاملاً از زاویه دید قهرمان بازگو می‌کند. این قهرمان مردی به نام هنری است که تا آستانه مرگ می‌رود و به یاری علم سایبرنتیک در قامت یک ابرسرباز به زندگی بازمی‌گردد تا همسر خود را از شر جنایتکاران نجات دهد و درعین‌حال یک توطئه جهانی را خنثی کند. تیا راث، هیلی بنت، دانیلا کوزلوفسکی و سایرین آرنولد از جمله بازیگران این محصول مشترک آمریکا و روسیه هستند.

پرسروصدانر از بمب Louder Than Bombs



سه سال پس از مرگ ناپهنگام عکاسی به نام ایزابل (ایزابل اوپر) قرار است نمایشگاه آثار او برگزار شود و این بهانه‌ای است برای آنکه پسر بزرگ او جوانه (جسی آیزنبرگ) به خانه بازگردد و بعد از سال‌ها زمان بیشتری را با پدرش، جین (کابریل بیرن) و برادر کوچک‌ترش، کنراد (دوین دروید) صرف کند. حالا که این سه‌نفر زیر یک سقف به‌سر می‌برند، جین تلاش می‌کند تا با دو پسر خود ارتباط برقرار کند، اما آشفتگی میان این سه‌نفر دشوار است. یواخیم تیریر این درام ۱۰۹ دقیقه‌ای را کارگردانی کرده است.

کاونتون NeonBull



این درام برزیلی به کارگردانی کابریل ماسکارو برنده جایزه ویژه هیات داوران هفتادودمین دوره جشنواره ونیز به زندگی کارگر یک دامداری در شمال برزیل می‌پردازد که در پی پرداختن به حرف‌های است که ذوق و سلیقه او را راضی کند و همواره آرزوی خیاط‌شدن را در سر دارد، اما جبر میبشتی مدام او را درگیر نگهداری از گاوها می‌کند. زمان نمایش این فیلم درام ۱۰۱ دقیقه و زبان اصلی آن پرتغالی است. ژولیانسو کارازار، ماوه جینیکنگر و وینیسیوس دی الویرا از جمله بازیگران فیلم «گاو ننون» هستند.